



مقالات و اعلامیه های برگزیده از کار ۱۹۷ - چهارشنبه ۱۸ آذر ۱۳۷۷

سرمقاله

مبارزه باز هم گسترده تر علیه ترور!

یادداشت

بودجه سال ۷۸ بحران اقتصادی را مهار نخواهد کرد

انتخاب شوراها

اختلاف بر سر این است که کدام جناح تصفیه کند

دانشگاه، بدون خشونت و بسیج!

برای کشتار آزادی خواهان

تیم های ترور دوباره بازسازی شده اند

گروهی از شخصیت های ملی داخل کشور در مورد

سرنوشت پیروز دوانی از رییس جمهور توضیح خواستند

محمد مختاری، نویسنده سرشناس توسط عوامل رژیم ربوده شد

دستگاه های رسمی در مورد قتل مجید شریف دروغ می گویند!

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

خبر نگران کننده درباره ربوده شدن محمد مختاری

با کار تماس بگیرید

مبارزه با زهم گسترده تر علیه ترور!

مردم ایران که اکنون به عین می‌بینند عاقبت وعده پ‌جامعه مدنی‌پ چه شده است، در برابر ترور به پا می‌خیزند. جمهوری اسلامی، نظیر جنایت علیه پروانه اسکندری و داریوش فروهر را بسیار مرتکب شده است. اما ابعاد اعتراض و خیزش علیه جنایت، در هیچ مورد به وسعت این بار نبوده است.

امروز، موثرترین روش مبارزه برای آزادی و حکومت قانون، برخاستن علیه ترور و آدم‌کشی است. رئیس جمهوری اسلامی وعده داده است که قتل پروانه و داریوش فروهر را پیگیری خواهد کرد، اما اگر با محک آنچه در یک سال و نیم اخیر از او دیده‌ایم این سخن را بسنجیم، در می‌یابیم که به این وعده‌ها امید چندانی نیست. خاتمی و طرفداران او در دولت می‌دانند که این ترور، علاوه بر آزادی‌خواهان، آنان را نیز هدف قرار گرفته است، اما آن‌ها به مبارزه برای نجات خویش نیز بر نمی‌خیزند، زیرا می‌دانند در این مبارزه باید به رویارویی با ولایت فقیه کمر ببندند و آن‌ها نشان داده‌اند که به این میدان پای نخواهند گذاشت. همه در دولت از ضرورت مجازات قاتلین سخن می‌گویند، اما چه کسی باید قاتلین را مجازات کند؟ وظیفه دولت محکوم کردن و وعده دادن نیست، عمل کردن است. در ایران هیچ کس تردید ندارد که وزارت اطلاعات رژیم در این جنایت و همه جنایات دیگر دست دارد، چرا وزیری را که در راس این وزارتخانه مخوف نشسته به خاطر این جنایت برکنار نمی‌کنند؟ مگر آقای خاتمی نشنیده است که فرمانده سپاه پاسداران، علنا اعلام کرده سر مخالفین را خواهد برید و گردن آن‌ها را خواهد زد؟ به این وعده‌ها اکنون عمل شده است، پس رئیس‌جمهور در مبارزه با تروریسم، دیگر منتظر کدام تحقیق و رد و اثر است؟

آیا به راستی نیروی کافی برای مقابله با شبکه مخوف تروریستی جمهوری اسلامی وجود ندارد؟ تنها باید نگاه خود را از پنجره‌های کابینه، متوجه خیابان‌ها کرد.

علیه ترور و جنایت، علیه تعرض به مطبوعات، علیه حضور نظامیان در دانشگاه‌ها، علیه فلاکت و فقر عمومی، دیگر هر روز در گوشه و کنار ایران صدای اعتراض برمی‌خیزد. دانشجویان، آرام نمی‌گیرند. کارگران، از حقوق خود نمی‌گذرند و اعتصاب می‌کنند. مردم از هر فرصتی برای بیان انزجار خود از وضع موجود استفاده می‌کنند.

باید در سازماندهی اعتراض به ترور، که امروز مبارزه‌ای علیه ولایت فقیه است، بیشتر بکوشیم. بر سازمان‌ها و احزاب سیاسی آزادیخواه، گروه‌ها و شخصیت‌های دمکرات است که در این مبارزه نقش بازهم فعال‌تری بر عهده گیرند و به مقاومتی که در درون مردم شکل گرفته است دامنه وسیع‌تری بدهند. باید صدای خود را یکی کنیم و به این عرصه مبارزه وارد شویم.

دستگاه‌های رسمی در مورد قتل مجید شریف دروغ می‌گویند!

قوه قضاییه هر چند در مورد قتل داریوش و پروانه فروهر سکوت کرده است، اما بسیار سریع و زود هنگام از قول پزشکی قانونی اعلام کرد همه حدسیات در مورد مشکوک بودن مرگ مجید شریف غیر واقعی است و او بر اثر ((ایست قلبی)) درگذشته است. اما اعلام رسمی قوه قضاییه آقای یزدی چیزی از مشکوک بودن این قتل نکاسته است، بلکه نشانه‌های بعدی این نظر را تقریباً به یقین تبدیل کرده است که مجید شریف، نویسنده و مترجم دیگراندیش که با نشریه ایران‌فردا همکاری می‌کرده و بنا بر برخی گزارش‌ها پیرو نظریات دکتر علی شریعتی بوده است، توسط باندهای سیاه حکومتی به قتل رسیده است.

مجید شریف روز پنجشنبه ۲۸ آبان ماه از خانه خود خارج شده و یک هفته بعد، جسد بی‌جان او در پزشکی قانونی مورد شناسایی برادرش قرار گرفته است. خانواده وی گفته‌اند که وی از سلامت کامل برخوردار بوده و دلیلی برای ((ایست قلبی)) او وجود نداشته است. اما آن چه که بیش از همه صحنه‌سازی وزارت اطلاعات و قوه قضاییه را آشکار می‌کند این است که مجید شریف با لباس رسمی و برای شرکت در مراسم درگذشت علامه جعفری در مشهد، از خانه خارج شده و جسد بی‌جان او را با لباس گرم در پزشکی قانونی یافته‌اند.

کدام دلیل می‌تواند وجود داشته باشد که مجید شریف در خیابان لباس رسمی خود را با لباس ورزشی تعویض کرده باشد، جز آن‌که او پس از خروج از خانه خود، ربوده شده، چند روزی ((میهمان)) یکی از خانه‌های مخفی وزارت اطلاعات بوده، در آن‌جا شکنجه شده و به قتل رسیده و سپس جسدش به پزشکی قانونی منتقل شده است.

مجید شریف، تحت کنترل وزارت اطلاعات قرار داشته است. او در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵)، پاسپورت پناهندگی‌اش را پس داد و به ایران بازگشت. در خارج از کشور وی مدتی با شورای ملی مقاومت مجاهدین و مدتی نیز با روزنامه انقلاب اسلامی آقای بنی‌صدر همکاری می‌کرده است.

نیروهای مخالف رژیم قتل او را هم به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نسبت داده‌اند و بسیاری از روزنامه‌های تهران نیز، حتی بعد از اطلاعیه قوه قضاییه، تایید کرده‌اند که مرگ مجید شریف ((مشکوک)) بوده است.

بودجه سال ۷۸ بحران اقتصادی را مهار نخواهد کرد

خاتمی بودجه ۲۷۵ هزار ریالی سال ۷۸ را جهت بررسی و تصویب به مجلس شورای اسلامی ارایه کرد. این بودجه در شرایطی به مجلس ارایه شده است که اقتصاد کشور با بحران بیسابقه‌ای روبروست. بحران اقتصادی، شدیدتر و عمیق‌تر از بحران دوره آخر جنگ ایران و عراق است. اقتصاد کشور از یک سو با رکود شدیدی مواجه است و از سوی دیگر با تورم لجام‌گسیخته روبروست. رشد اقتصادی، شدیداً افت کرده و به کمتر از دو درصد و بنا بر بعضی آمارها نیم درصد، رسیده است. به نوشته مطبوعات، بیش از ۳۰۰ واحد تولیدی فعالیت خود را متوقف کرده‌اند و صدها واحد تولیدی نیز در آستانه تعطیلی قرار دارند. رکود اقتصادی آن‌چنان عمیق است که اکثر کارخانه‌های دایر نیز با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت خود کار می‌کنند. در این شرایط کارگران با مشکلات کمرشکنی مواجه هستند. گروه هر دم بیشتری از آنان به صفوف بیکاران می‌پیوندند و صدها هزار کارگر ماه‌هاست که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند. از یک سو کارگران شاغل کار خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر هر ساله حدود ۸۰۰ هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند. بیکاری به بزرگ‌ترین معضل جامعه کارگری تبدیل شده است.

قیمت کالاهای ضروری مردم پیوسته در حال افزایش و سطح زندگی آن‌ها در حال کاهش است. فشارهای اقتصادی زندگی را برای اکثریت مردم کشور ما به یک مبارزه دشوار تبدیل کرده است.

این بحران اقتصادی ایجاب می‌کند دولت به اقدامات ضربتی، فوری و پایه‌ای دست بزند، به اقتصاد کشور تحرک ببخشد، بر رکود غلبه کند، واحدهای تولیدی را راه بیاندازد و بر ظرفیت تولیدی آن‌ها بیفزاید تا شرایط جذب نیروی کار و مقابله با بیکاری نیز فراهم آید.

در بودجه تدوین شده و گزارشی که خاتمی در مورد آن در مجلس شورای اسلامی ارایه داد، چنین اقدامات و تدابیری مشاهده نمی‌شود. اگرچه در این بودجه می‌توان تمایزاتی را نسبت به بودجه‌های سال‌های قبل مشاهده کرد، ولی بودجه سال ۷۸ در اساس برای مقابله با بحران تنظیم نشده و نمی‌تواند مشکلات اقتصادی را درمان کند و یا حتی وضعیت را بهبود بخشد. دولت در تنظیم بودجه سال آینده کوشیده است به نحوی عمل کند که در آن بودجه جاری کمتر افزایش یابد و سهم درآمدهای مالیاتی بالاتر رود. به گفته خاتمی، این راهی برای کاهش فشار بر اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. خاتمی در سخنرانی خود گفت ۵۴ درصد از میزان افزایش هزینه‌های جاری بودجه سال آینده به افزایش حقوق کارمندان و ۱۲ درصد به یارانه کالاهای اساسی اختصاص یافته است. اما در کنار آن‌ها، دولت در نظر دارد سال آینده قیمت بنزین مازاد بر مصرف را افزایش دهد. هر چند دولت می‌گوید که این افزایش تنها شامل بنزین خواهد شد، اما به خوبی روشن است که موجی از افزایش قیمت سایر کالاها و خدمات را به دنبال خواهد داشت. در بودجه سال آینده هیچ تدبیری برای گرفتن مالیات از بنیادها و صندوق‌های قرض‌الحسنه که نزدیک به نیمی از اقتصاد ایران را در دست دارند، مشاهده نمی‌شود. طبعاً بدون این که این بخش عظیم از اقتصاد کشور تحت نظارت و کنترل دولت قرار گیرد، بدون این که از سودهای افسانه‌ای که آن‌ها می‌برند، مالیات‌های متناسب گرفته شود، نمی‌توان از یک سیاست صحیح مالیاتی سخن گفت و گامی به سوی حل بحران اقتصادی برداشت. سیاست مصالحه‌جویانه دولت باعث شده است که این بنیادها حتی سهم بیشتری را طلب کنند. رییس‌بنیاد مستضعفان اخیراً خواستار آن شد که دولت کمک بیشتری به این بنیاد عظیم مالی بکند! در کنار این واقعیات تلخ باید به این موضوع هم اشاره کرد که بخش مهمی از بودجه کشور هر ساله به صدور انقلاب اسلامی، تبلیغات در کشورهای خارجی و مانورهای ریز و درشت و دیگر هزینه‌های زاید نظامی اختصاص می‌یابد. در بودجه سال ۷۸، هیچ اقدامی در جهت حذف این هزینه‌های زاید و زیان‌آور صورت نگرفته است.

بودجه سال ۷۸ نیز مانند بودجه سال‌های قبل بر درآمد نفت متکی است. در این بودجه قیمت هر بشکه نفت ۱۱/۸ دلار در نظر گرفته شده است. با توجه به وضعیت فعلی بازار نفت و چشم‌اندازی که برای آینده آن ترسیم می‌شود، دشوار است که درآمد پیش‌بینی شده از صادرات نفت تحقق یابد و در نتیجه بودجه سال آینده نیز با یک کسری بزرگ مواجه خواهد شد.

در یک کلام، سال دشوارتری به جهت اقتصادی در پیش است. بودجه دولت خاتمی و اقدامات او به هیچ وجه برای مهار بحران اقتصادی کافی نیست. در این حکومت، اراده‌ای برای حل مشکلات اقتصادی که به منافع محافل قدرتمندی از حکومت زیان می‌رساند وجود ندارد. هر دو جناح حکومت، مسایل اقتصادی را بازیچه مبارزه برای کسب قدرت بیشتر ساخته‌اند.

انتخاب شوراها اختلاف بر سر این است که کدام جناح تصفیه کند

اختلاف در مورد نقش هیات‌های اجرایی و هیات‌های نظارت، اکنون به عمده‌ترین موضوع کشاکش در مورد انتخابات شوراها تبدیل شده است. اکثریت مجلس، تعیین صلاحیت نامزدها را در اختیار هیات‌های نظارت - که در کنترل این جریان است - می‌داند و دولت تعیین صلاحیت‌ها را در اختیار هیات‌های اجرایی - که آن‌ها را در کنترل خود دارد - می‌خواهد.

رحیمی، که از سوی موحدی ساوجی رییس هیات نظارت مرکزی، به عنوان دبیر هیات نظارت مرکزی منصوب شده است، روز هفتم آذر ماه اعلام کرد تایید ترکیب هیات‌های اجرایی و تعیین صلاحیت نامزدهای شوراها بر عهده هیات‌های نظارت است. به گفته وی، بدون تایید این هیات‌ها، هیچ چیز رسمی و قانونی نمی‌شود. رحیمی افزود: در مرحله اول هیات‌های اجرایی به صلاحیت افراد رسیدگی می‌کنند... در صورتی که صلاحیت برخی از افراد بی‌دلیل تایید و یا رد شود، هیات‌های مرکزی نظارت به آن رسیدگی می‌کنند. یک روز بعد از این اظهارات، وزیر کشور در مصاحبه با خبرنگاران گفت: هیات اجرایی وظیفه تایید و رد صلاحیت نامزدهای این انتخابات را دارد. مرتضی مبلغ، رئیس ستاد اجرایی انتخابات شوراها در روز ۱۲ آذر این موضوع را مورد تاکید بیشتری قرار داد و اعلام کرد: مراجع استعلام مانند اطلاعات و ثبت احوال می‌توانند فقط مستندات را اعلام کنند، اما حق اظهارنظر ندارند و قانون هم می‌گوید که هیات اجرایی مسئول اظهارنظر است و ناظرین حق دخالت در انتخابات را ندارند. بنابر این رسیدگی به صلاحیت‌ها باید توسط مجریان انجام شود و هیات نظارت فقط می‌تواند تذکر دهد، اما نمی‌تواند کسی را رد صلاحیت و دیگری را تایید صلاحیت کند.

کشاکش طرفداران دولت و مجلس بر سر آن که کدام یک صلاحیت کاندیداها را رد یا تایید کنند، بار دیگر این واقعیت را به یاد می‌آورد که انگار برای هر دو جناح، کلید فتح شوراها کماکان در اختیار داشتن ارگان‌های رسیدگی به رد یا تایید صلاحیت‌هاست!

مطابق آئین‌نامه اجرایی شوراها، که توسط همین رژیم به تصویب رسیده، تنها سه شرط برای نامزد شدن در این انتخابات وجود دارد: حداقل ۲۵ سال سن، داشتن سواد خواندن و نوشتن و یک سال اقامت در محل. اگر دست‌اندرکاران برگزاری این انتخابات بخواهند به این شروط پای‌بند بمانند، دیگر این همه کشاکش برای این که چه ارگانی کنترل تایید و رد صلاحیت‌ها را برعهده بگیرد، برای چیست؟

واقعیت این است که اکثریت مجلس قصد دارد با انحصار تایید صلاحیت‌ها در دست خود، به تصفیه گسترده نامزدهایی که مورد پسند و تایید این جناح نیستند، دست بزند. اعمال این جناح در تصفیه‌های گسترده در همه انتخابات‌ها، برای مردم ایران به خوبی روشن است. اما بر این نکته نیز باید تاکید کرد که نسبت به نیت جناح طرفدار دولت نیز نباید خوشبین بود. اگر آن‌ها قصد دارند به قانون وفادار بمانند، چرا رییس ستاد اجرایی موضوع استعلام از ((اطلاعات)) را به میان می‌آورد؟ کار اصلی وزارت اطلاعات، شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات در مورد مخالفین رژیم و ناراضیان و سرکوب آن‌هاست و استعلام از این وزارت‌خانه فقط به این منظور می‌تواند صورت گیرد که ناراضیان و مخالفین شناسایی و تصفیه و رد صلاحیت شوند. طرفداران دولت تا کنون هیچ تضمین روشنی نداده‌اند که مانع شرکت داوطلبانی که با این حکومت موافق نیستند، در انتخابات شوراها نخواهند شد.

ما همان‌گونه که قبلاً نیز اعلام کرده‌ایم، مخالف هرگونه کنترل بر انتخابات شوراها از سوی هر کدام از جناح‌های رژیم هستیم. این انتخابات باید خارج از کنترل و تصفیه و رد صلاحیت‌های موجود در جمهوری اسلامی صورت گیرد و همه مردم ایران، و از جمله مخالفین رژیم نیز بتوانند آزادانه در آن کاندید شوند و برای برنامه‌های خود تبلیغ کنند. اجرای شروط فعلی نامزد شدن در انتخابات، که کار مشکلی نیز نیست، به طور عرف و معمول بر عهده هیات‌های اجرایی برگزار کننده انتخابات است و ادعاهای اکثریت مجلس و کسانی همچون آقای رحیمی، به کلی بی‌پایه است و تنها به منظور تصفیه مخالفان است.

دانشگاه، بدون خشونت و بسیج!

دانشجویان با شعارهای مقابله با تروریسم و مخالفت با نظامی کردن دانشگاهها روز دانشجو را گرامی داشتند

دانشجویان ایران، ۱۶ آذر، روز دانشجو، را با برگزاری مراسم متعددی در دانشگاه‌های مختلف کشور، گرامی داشتند. در تظاهرات، گردهمایی‌ها و مراسم دانشجویان دو شعار عمده: مقابله با تروریسم و مخالفت با نظامی کردن دانشگاهها برجسته بود.

در دانشگاه علم و صنعت

تجمع دانشجویی که روز ۹ آذر در دانشگاه علم و صنعت برگزار شد، با دخالت حزب‌اللهی‌ها و بسیجی‌ها به خشونت گرایید. این تجمع با شعار: ((نفی خشونت و نظامی‌گری در دانشگاه!)) برگزار شد. دانشجویان شعارهایی با مضمون: ((نفی خشونت و نظامی‌گری در دانشگاه!))؛ ((دفاع از حیثیت و حرمت دانشجو!)) و ((دانشگاه بدون خشونت!)) را در دست داشتند و برگزاری مراسم مختلف نیروهای نظامی در دانشگاهها را محکوم کردند. مسئول انجمن اسلامی این دانشگاه در سخنان خود گفت: حضور گاه و بیگاه نظامیان، برپایی جشن پرسنل قرارگاه نوح سپاه و... از مجموعه عواملی است که به فضای منطقی و معقول فرهنگی ضربه وارد می‌کند.

پس از سخنان مسئول انجمن اسلامی، دانشجویان شرکت کننده در این گردهمایی با سردادن شعارهایی نظیر: ((تسلط نظامی بر دانشگاه، انتقام دوم خرداد ماه!))؛ ((دانشگاه اسلامی عرصه اندیشه‌هاست، مخالف زور و زر و نیزه‌هاست!))، خواستار تعطیل فعالیت‌های نظامی در دانشگاهها شدند.

در این گردهمایی علیرضا طاهری، از مسئولین دفتر تحکیم وحدت در سخنانی گفت: ((قتل مرحوم داریوش فروهر و همسر ایشان، حمله برخی افراد به تعدادی جهانگردان خارجی از جمله مسایلی است که وجود فضای عدم امنیت در جامعه را در اذهان تداعی می‌کند)). یکی دیگر از اعضای انجمن اسلامی این دانشگاه در سخنان خود گفت: دانشگاه محل حضور اندیشه است نه محل حضور نظامیان!

در بیانیه‌ای که به مناسبت این گردهمایی انتشار یافت، ضمن محکوم نمودن حضور نظامیان در دانشگاهها و گسترش جو خشونت و ناامنی در جامعه، آمده است: ((بر تمام دانشجویان و دانشگاهیانی که فضای یک‌سویه و تک‌صدایی را در دانشگاه نمی‌پسندند، لازم است بدون توجه به هر سلیقه و گرایشی که دارند وارد عمل شده و اجازه ندهند که این جریان به نیت شوم خود نایل شود)).

به هنگام برگزاری این مراسم درگیری‌های شدیدی بین دانشجویان و عناصر حزب‌اللهی و بسیجی رخ داد. دانشجویان شعار می‌دادند: ((مرگ بر طالبان!)) و بسیجی‌ها شعر ((کجا ای شهیدان خدایی)) را می‌خواندند. در پایان این مراسم بسیجی‌ها با اجتماع در برابر ساختمان ریاست دانشگاه، خواهان انحلال انجمن اسلامی این دانشگاه شدند. در سایر دانشگاهها نیز به مناسبت فرا رسیدن روز ۱۶ آذر مراسم و گردهمایی‌هایی تشکیل شد و دانشجویان با صدور بیانیه‌هایی روز ۱۶ آذر را گرامی داشتند، تروریسم و خشونت را محکوم کرده و خواهان دانشگاه‌های بدون خشونت شدند!

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر با انتشار بیانیه‌ای تحت عنوان ((به کجا می‌رویم؟))، خشونت‌های سیاسی و ترورهای اخیر را محکوم کردند و این اعمال را مقدمه‌ای برای برهم زدن امنیت و مایوس کردن مردم از تحولاتی که پس از دوم خرداد در جامعه رخ داده است، دانستند.

انجمن اسلامی دانشگاه کردستان نیز با انتشار بیانیه‌ای اقدامات تروریستی را محکوم نموده و هدف این اقدامات را ایجاد ناامنی برای آزادی فکر و اندیشه و زیر سوال بردن اندیشه‌های رییس‌جمهور ارزیابی نمودند.

پیش از این، تشکل‌های دیگر دانشجویان نظیر جبهه متحد دانشجویی، سازمان ملی دانشجویان و دانش‌آموختگان و اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان کشور، با صدور بیانیه‌هایی، ترور داریوش و پروانه فروهر را محکوم کرده و خواهان دستگیری و مجازات عاملین این جنایت شده بودند.

برای کشتار آزادی خواهان تیم‌های ترور دوباره بازسازی شده‌اند

بنا به گزارش‌های رسیده از ایران، تیم‌های ترور جمهوری اسلامی برای کشتار مخالفان بار دیگر سازمان‌دهی و فعال شده‌اند. بر پایه این گزارش‌ها، لیستی از مخالفان رژیم تهیه شده است تا در فرصت‌های مناسب ترور شوند. نام داریوش و پروانه فروهر نیز در این لیست ترور بوده است. این گزارش‌ها می‌گویند هدف اصلی تیم‌های ترور، این بار فعالین سیاسی در داخل ایران هستند. تروریست‌ها برای کشتن رهبران ملی و چپ و همچنین فعالین جنبش دانشجویی نقشه کشیده‌اند.

شایعه به‌راه افتادن دوباره بساط ترور در کشور آن چنان نیرومند است، که به صفحات روزنامه‌های وابسته به رژیم نیز کشیده شده است. روزنامه سلام در یادداشت روز نهم آذر ماه خود در این مورد نوشته است:

((امروز در بخشی از جامعه به‌طور جدی این نظر وجود دارد که در کشور یک گروه ترور شکل گرفته و لیستی از افراد برای ترور شدن مشخص شده‌اند)). سلام نوشته است: ((هر چند این احتمال را نباید قوی تلقی کرد، ولی مساله آن قدر اهمیت دارد که از احتمال ضعیف آن نیز نباید به سادگی گذشت)). سلام با اشاره به قتل داریوش و پروانه فروهر ادامه داده است: ((نکات فنی در نحوه قتل مرحوم فروهر و همسرش که نشان‌دهنده عدم عجله قاتلین و انجام قتل در فرصتی نه چندان کوتاه بوده، می‌تواند نشان‌دهنده عدم نگرانی قاتلین در حین ارتکاب جنایت و تقویت‌کننده برداشت فوق‌الذکر باشد)).

در بیانیه‌ای که کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید منتشر کرده است، از تشکیل یک کمیته مشترک ترور توسط وزارت اطلاعات و هیات موفته عسکراولادی و همدستانش سخن رفته است. بنا بر این اطلاعیه، عملیات ترور داریوش و پروانه فروهر با نام رمز ((لاجوردی)) توسط عوامل وزارت اطلاعات صورت گرفته است. ناصریان و مجتبی، شکنجه‌گران زندان‌های اوین و گوهر دشت، پسر ارشد لاجوردی، دهنکی از رهبران انصار حزب‌الله، سعید رفیق دوست و چند تن دیگر از عوامل بلندپایه وزارت اطلاعات عامل ترور فروهرها بوده‌اند.

در کنار ترور رهبران حزب ملت ایران، مرگ مشکوک و بسیار سوال‌برانگیز مجید شریف و شایعه کشته شدن پیروز دوانی، بر این باور بیشتر می‌افزاید که ترور بار دیگر در دستور روز حکومت قرار گرفته است.

شبکه تروریستی جمهوری اسلامی که در سال‌های گذشته بسیاری از مبارزین و مخالفین رژیم را به خون کشیده، دست‌نخورده است. دادگاه میکونوس برلین که پرده از رهبری این شبکه توسط علی خامنه‌ای، علی‌اکبر رفسنجانی و فلاحیان، وزیر وقت اطلاعات برداشت و وقایع دوم خرداد و پس از آن که به حضور وسیع نیروهای مردمی و روشنفکر در فعالیت‌های سیاسی منجر شد، این شبکه تروریستی را مدتی منفعّل ساخت، اما اکنون تروریست‌ها بار دیگر سلاح‌های خود را آماده کرده‌اند.

اعتراضی نظیر آن چه در جریان ترور داریوش و پروانه فروهر روی داد و اعتراضاتی نیرومندتر از آن لازم است تا سر این مار سمی و زهرآگین را بر سنگ بکوبد. باید این بساط برچیده شود. آن‌ها که امروز امکان مقابله با این شبکه تروریستی را دارند و از کمک به متلاشی کردن آن سرباز می‌زنند، در برابر ترورهایی که اتفاق افتاده و اتفاق خواهد افتاد، مسئول خواهند بود.

محمد مختاری، نویسنده سرشناس توسط عوامل رژیم ربوده شد

در آخرین ساعات روز یکشنبه باخیر شدیم که محمد مختاری، نویسنده سرشناس ایرانی و از فعالین و مدافعین آزادی نویسندگان، ((ناپدید)) شده است. محمد مختاری آخرین بار روز پنجشنبه از خانه خارج شده و تا آخرین ساعات روز یکشنبه هیچ خبری از او در دست نیست. جستجوی بیمارستان‌ها و پزشکی قانونی نیز تاکنون بی‌نتیجه مانده است. هیچ مقام و ارگانی در حکومت اسلامی نیز مسئولیت دستگیری او را برعهده نگرفته است.

با توجه به روی‌دادهای نگران‌کننده‌ای که در هفته‌های اخیر در کشور اتفاق افتاده است، هیچ تردیدی نیست که محمد مختاری توسط باندهای سیاه و آدم‌کش وابسته به حکومت ربوده شده است و اکنون خطری جدی جان او را تهدید می‌کند.

ما ضمن نگرانی شدید از خبر ناپدید شدن محمد مختاری، همه آزادی‌خواهان ایران و همه وجدان‌های آگاه جهان را فرا می‌خوانیم که بدون تلف کردن وقت به تلاش برای نجات جان محمد مختاری بشتابند. هر لحظه غفلت، برای جان این نویسنده بسیار خطرناک است. باید با مبارزه‌ای متحد و استوار بر این وضعیت شوم نقطه پایان نهاد.

دولت آقای خاتمی، مسئولیت تامین امنیت شهروندان ایران را برعهده دارد و کوتاهی بیش از این از سوی دولت در دستگیری عوامل باندهای سیاه و شبکه‌های ترور، دیگر تحمل‌ناپذیر است.

به دنبال پخش اخبار نگران‌کننده گروهی از شخصیت‌های ملی داخل کشور در مورد سرنوشت پیروز دوانی از رییس‌جمهور توضیح خواستند

گروهی از شخصیت‌های سیاسی و مبارز داخل کشور با انتشار نامه‌ای خطاب به رییس‌جمهور، از او در مورد سرنوشت پیروز دوانی، که چندی است ناپدید شده و اکنون اخباری مبنی بر اعدام او می‌رسد، توضیح خواستند:

ریاست محترم جمهوری، جناب آقای خاتمی
با سلام

((آزادی و امنیت)) بر اساس آرمان‌های انقلاب، اصول متعددی از قانون اساسی و نیز معتقدات اسلامی و انسانی مردم ایران، حق همه شهروندان می‌باشد. و بر همین اساس هرگونه تخلف و اعمال غیرقانونی نیز می‌بایست به طور شفاف و براساس موازین قانونی، مورد پیگرد و برخورد قرار گیرد.

چند هفته است که یکی دیگر از فعالین سیاسی چپ به نام آقای پیروز دوانی ((مفقود)) گردیده است. بنا به پیگیری‌های خانواده وی، ارگان‌های سیاسی و امنیتی به صراحت اعلام کرده‌اند که آن‌ها وی را دستگیر نکرده‌اند.

به دنبال تماس‌های تلفنی مشکوکی از سوی افرادی ناشناس مبنی بر بازداشت پیروز دوانی، و سپس اعدام وی، مادر ایشان که سابقه ناراحتی قلبی داشته است، در اثر شنیدن این خبر، با کمال تأسف سگته کرده و فوت می‌نماید.

اما تاکنون مشخص نشده است که وی از طرف چه نهاد، فرد یا افرادی دستگیر شده و به کجا اعزام گردیده و چه سرنوشتی پیدا کرده است.

ما امضاکنندگان این نامه، ضمن تصریح بر تفاوت‌های عقیدتی و سیاسی خود با آقای پیروز دوانی، نگرانی شدید خود را از مفقودالثر شدن ایشان اعلام می‌کنیم. دفاع از حقوق تمام شهروندانی که در این مرز و بوم زندگی می‌کنند، ایجاب می‌کند که از ریاست محترم جمهوری درخواست نماییم هرچه سریع‌تر مقرر فرمایید به این مساله رسیدگی و مراتب برای مردم ایران اعلام گردد تا از خطر شیوع چنین شیوه‌هایی جلوگیری گردد.

دکتر مصطفی اخلاقی، اعظم اکبرزاده، حمید آصفی، مهندس ابوالفضل بازرگان، مهندس عبدالعلی بازرگان، محمد بسته‌نگار، علی‌اکبر بیاکی، عباس پوراطهری، عزیز پورحمید، دکتر حبیب‌الله پیمان، مسعود پدram، دکتر عباس تاج‌الدینی، ثریا یوسفی، دکتر غلام‌عباس توسلی، مهندس محمد توسلی، مهندس مجید تولایی، دکتر علی‌اکبر جلالی، دکتر سیف‌الله حسن‌زاده، ابوالفضل حکیمی، عبدالکریم حکیمی، رسول دادمهر، دکتر حبیب داوران، دکتر محمود دل‌آسایی، حسین درویش، تقی رحمانی، بهمن رضاخانی، احد رضایی، عبدالله رادنی، دکتر حسین رفیعی، دکتر رضا رئیس‌طوسی، حسین زادعیسی، دکتر یدالله سبحانی، مهندس عزت‌الله سبحانی، علیرضا ساریخانی، نسرین ستوده، نبی سلطانی، حسین شاه‌حسینی، هدی صابر، منوچهر صابونی، مهندس هاشم صباغیان، احمد صدر حاج‌سید جوادی، مهدی صراف، فریدون ضرغامی، علی‌اشرف ضرغامی، علی طهماسبی، اعظم طالقانی، محمود عمرانی، محمدجعفر عمادی، رضا علیخانی، دکتر سیدعلی‌اصغر غروی، دکتر غفار فرزندی، حجت قیاسی، دکتر حسن فریداعلم، دکتر نظام‌الدین قهاری، مرتضی کاظمیان، فاطمه گوارایی، مسعود لدنی، مهندس علی‌اکبر معین‌فر، محمد محمدی اردهانی، ابوالفضلی میرشمس شهبهانی، سعید مدنی، دکتر محمد ملکی، حسین مدنی، وحید میرزاده، دکتر ماشاالله مدیحی، هرمز ممیزی، هادی موتمنی، مهندس محسن محقق، مصطفی مسکین، مهندس رضا مسموعی، خسرو منصوریان، مهندس محمود نعیم‌پور، مهندس سید حمید نوحی، مهندس اسماعیل ناطقی، مهدی ناطقی، دکتر حسن وهاب‌آقایی، دکتر هادی هادیزاده، دکتر ابراهیم یزدی، حسن یوسفی اشکوری

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

خبرنگران‌کننده درباره‌ی بوده‌شدن محمد مختاری

برابر آخرین اخبار رسیده از کشور سرکوب‌گران، تعرض جدیدی را علیه نیروهای آزادی‌خواه سازمان می‌دهند. اکنون، روز یکشنبه ششم دسامبر، خبر بسیار نگران‌کننده‌ای در باره‌ی بوده‌شدن محمد مختاری، نویسنده، روزنامه‌نگار آزادی‌خواه و از فعالین کانون نویسندگان در ایران، انتشار یافته است.

چندی پیش فاش شده است که دسته‌های آزادی ستیز وابسته به ولایت فقیه لیستی از شخصیت‌های آزاده و مبارز برای پیگرد و سرکوب فوری تهیه کرده‌اند. در این لیست ترور که شامل افراد آماج سرکوب فوری است، نام نویسنده مترقی محمد مختاری نیز قرار دارد.

ما با ابراز نگرانی بسیار شدید از اخبار رسیده، خواهان اقدام فوری برای جلوگیری از تعرض‌های باندهای حکومت خامنه‌ای علیه آزادی‌خواهان هستیم. دولت خاتمی در برخورد با این رویدادها مسئولیت مستقیم دارد و هرگونه تاخیر و کوتاهی در اقدام برای مهار سازمان اطلاعات و دسته‌های سرکوب از نظر مردم ایران غیر قابل قبول است

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) یکشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۷۷



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

آدرس کار در اینترنت : <http://www.geocities.com/CapitolHill/2902/>
آدرس پست الکترونیکی : fadai.aksariyat@magnet.at

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany